

## ترانه

اونهمه ترانه، شعر عاشقانه  
دیدی همش حرف بود و حال احرفات تموم شد؛  
اونهمه رنگ و بو، اونهمه آرزو  
دیدی مثل یه خواب چه زود تموم شد؛  
گفتی پاتو بودن یعنی زنده موندن  
حالا میگی عمرم حروم شد  
دلم چون خون شد، پیر شدم صبرم تموم شد  
سایه های تردید، روی باغ امید  
این جغد شوم جدا بیه که میخونه  
تو کویر غرورت  
پگو غیر تنهایی، آخر این قصه واسه تو کی میمونه؛  
بعد هر بهاری، نو بت خرونه  
بهار عشق ما چه زود تموم شد  
نو بت فصل خرون شد  
به عشق تو اسپرم، میگفتی پی تو من می میرم  
حالا میگی فکراتو کردی، نظرت عوض شد  
تعبیر مهر پونی، عشق آسمونی  
چه زود و چه ساده اسمش حوس شد  
گفتی پاتو بودن، تا ابد تا همیشه  
حالا میگی عاقبت نداره  
تقصیر من نیست، کار روزگاره  
روزای آفتابی، شبای مهتابی  
مثل نقشه روی آبن نیمونن  
قناریهای مست، گرفتار قفس اگه باشن  
دیگه آواری نمیخونن  
حالا میخوای جدا شی، تو آسمون رها شی  
دلم مال تو، روحم مال تو  
هر جای دنیا که باشی

سایه های تردید، روی باغ امید

این چغد شوم بپ پیید پدیده

توکویر غورت

بپ پدید هیپیدمدیددیدییده...